



حضرت آیه ۱۰۰۱
حسین نوری

اقتصاد اسلامی

قسمت هشتم

در مباحث گذشته مطالب زیر آمد :

تعریف علم اقتصاد - معنای لغوی و اصطلاحی - اقتصاد از علوم اجتماعی است - رابطه علم اقتصاد با علوم دیگر - طرح یک نقشه اقتصاد کامل - احتیاج به این طرح - مبارزه اسلام با اسراف - اسراف چیست - مرز و مراتب نیازمندیها - شناخت مرزها - اسراف در راههای خیر - تبذیر - اسراف و عواقب آن - پایه ها و اصول نظام اقتصادی اسلام - ۱ - اصل مالکیت متنوع - ۲ - آزادی درگزار در ارزشهای اسلامی و ...

نظام اقتصادی اسلام دارای ویژگیهایی است که این ویژگیها پایه ها و اصول آن محسوب میشود و همین ها این نظام شگرف را از سیستم های اقتصادی دیگر جدا و ممتاز می گرداند .

ما در شماره گذشته به شرح یکی از این اصول که عبارت از نوع اشکال مالکیت در اسلام است پرداختیم و اینک برای بیان دومین اصل از اصول اقتصاد اسلامی مقدما توجه خوانندگان محترم را باین موضوع جلب میکنیم :

زیر بنای سیستم سرمایه داری

آزادی اقتصادی زیر بنای سیستم سرمایه داری محسوب میگردد و این سیستم به افراد در سه مرحله یعنی در مرحله

تحصیل مال و ثروت و در مرحله استنما و افزایش دادن به ثروت موجود در مرحله مصرف کردن اموال خود آزادی نامحدود میدهد .

ضمنا این نکته را نیز میدانیم که نظام سوسیالیستی آزادی اقتصادی را مانند آزادیهای دیگر از همه نودها سلب نمیکند .

در این مورد قبل از بیان نظریه اسلام لازم است که این اصل را که زیر بنای رژیم کاپیتالیستی را تشکیل میدهد

بیشتر مورد بررسی قرار بدهیم و اصولا به بیستم چرا و بجه دلیل رژیم به این آزادی نامحدود قائل است ؟

و آیا این منطق که خود پایه ای برای سازمان اقتصاد سرمایه داری است تاجه اندازه استحکام دارد ؟

طرفداران و بنیانگذاران این سیستم در تفسیر این موضوع به این دو دلیل استناد میکنند :

۱ - آزادی = رشد تولید

در توضیح این مطلب میگویند : آزادی اقتصادی بهترین عامل تحریک کننده نیروهای تولید و مناسب ترین وسیله برای بسیج کردن امکانات و قدرتها در راه تولید

عمومی است و چون برای از بین بردن محرومیتها و فقرها و کمبودها راهی جز رشد تولید نداریم لذا در سایه آزادی ای که در میدان تحصیل مال و ثروت و تولید به افراد میدهیم سطح تولید را تا آن اندازه که ممکن است افزایش میدهیم و به این وسیله فقرها و کمبودها را مرتفع میازیم .

پاسخ

در پاسخ به این دلیل توجه به این واقعیت لازم است که افراد بشر چنانکه میدانیم از لحاظ خلقت مساوی نیستند و برخی دیگر بمراتب از جهت توانایی فکری و روحی و از جهت قدرت جسمی برتری دارند و از اینجا است که :

بطور روشن می بینیم که بعضی از افراد قدرت ابتکار و خلاقیت و استعداد کارهای پرارزش را دارند و برخی از اشخاص از جهت فکر و ذوق و استعداد فاقد این خصوصیات میباشند و برخی از افراد چابک و زیرک و فعال و پر تلاش و بعضی تنبل و سست و بی اراده و ضعیف هستند .

با توجه به این واقعیت که از کیفیت آفرینش انسانها سرچشمه میگردد اکنون

اگر در میدان اقتصاد همه این افراد را آزاد بگذاریم و صحنه زندگی اقتصادی را با امکانات فراوان در اختیار همه قرار بدهیم آیا مزاحمتها و رقابتها بوجود نخواهد آمد ؟

آیا نیرومندانها ضعیفترها را از صحنه تولید خارج خواهند کرد ؟

شما هم اکنون مو، سات تولیدی را در جامعه سرمایه داری در نظر بگیرید تا ببینید وضع چگونه است. این مو، سات تولیدی واحدهای کوچکی نیستند که هموارد یکدیگر و از امکانات مساوی برخوردار باشند تا در اثر آن هر مو، سالی بتواند با مو، سه، دیگری رقابت کند و فعالیت خود در راه تولید ادامه بدهد بلکه مو، سات تولیدی در جامعه کاپیتالیستی از لحاظ حجم و کار آئی چنانکه گفتیم تفاوتی بسیار دارند و همین تفاوتها و رقابتها با سرعت شگفت انگیزی به پیکار شدید و اصطکاک بین مو، سات منجر میشود

طبیعی است که در این کشمکش سریع و رقابت شدید مو، سات نیرومند تولیدی مو، سات دیگر را ورشکست کرده اساس آنها را منهدم میسازند و باین ترتیب بتدریج احتکار تولید بوجود آمده در نتیجه انواع رقابتها که در جریان تولید بوجود آمده بود از بین میرود و ریشهها و مراکز مهم تولید در قبضه تعدادی سرمایه دار و زورمند قرار میگیرد که آنها برای دردست داشتن این مراکز که سرچشمه منافع آنها است حتی به سوزاندن و بدریا ریختن و نابود کردن هزاران تن سبری و مسوه و گندم و برنج و سایر مایحتاج زندگی انسانها اقدام می کنند و در این موارد چنانکه میدابیم نمونهها و آمار فراوانی وجود دارد.

بنا بر این رقابت آزاد بعنوان اینکه به تولید رشد و تکامل میبخشد جز در فاصله کوتاهی با آزادی کاپیتالیستی همراهی و همکاری نمیکند و همین آزادی

در مدت کوتاهی آزادی را از بسیاری از افراد سلب می کند و در نتیجه رشد تولید جای خود را به احتکار تولید میدهد باز هم بر این نکته تاکید می کنیم که طرفداران سیستم سرمایه داری چنین فکر با وانمود می کردند که این سیستم در نتیجه حریست اقتصادی موجب تولید بیشتر خواهد شد و فقرها و محرومیتها و نارسائیها را از بین خواهد برد ولی خود در تجربه دیدند که در این نظام عدهای منابع ثروت و مجاری آنها در دست گرفته کم کم مالکین کوچکتر را از میدان بیرون رانده مو، سات بزرگ و " تراستها " و " کارتلها " بوجود آوردند و بازارهای اقتصاد را بنفع خود قبضه کردند و مسیر رشد تولید را بنفع خودشان تغییر دادند .

میدانیم تاریخ سیاه استعمار از همین آزادی اقتصادی دنیای سرمایه داری سرچشمه گرفته است

اکنون این واحدهای اقتصادی بزرگ را که در بخشهای مختلف صنایع ، فولاد ، برق ، اتومبیل و غیره و در بخشهای بانکی و بهرزهائی و در بخشهای بازرگانی و بسیاری از بازارهای اقتصادی جهان را تسخیر کرده اند می بینیم که واحدهای کوچکتر را از میدان خارج کرده و آنها را ساقط نموده اند اینها که بر اساس مابانی و منافع کاپیتالیستی بوجود آمده اند ضمناً برای تأمین منافع خود با هم وابستگی کامل نیز دارند مثلاً شرکتهائی در آمریکا با آلمان غربی ، انگلستان ، فرانسه ،

سوئیس و ژاپن ارتباط دارند و یک هدف را تعقیب می کنند .

علاوه بر رشتههای صنعتی و بازرگانی در قلمرو خدمات نیز واحدهای بزرگی تأسیس شده که بخش عمده از فعالیت های اقتصادی جهان را بعهده دارند که مثلاً بسیاری از شرکت های بیمه و کمپانیهای هواپیمائی و کشتیرانی از این قبیل است حتی در قلمرو کشاورزی نیز در آمریکا بویژه در ایالات جنوبی تگزاس ، آمریکای لاتین ، افریقای شرقی و غربی واحدهای بزرگ کشاورزی ، قهوه ، پنبه و نیشکر بوجود آمده که صدها هکتار زمین و میلیونها دلار سرمایه و تعداد بسیاری کارگر در یک واحد تولیدی جمع کرده و در نتیجه بسیاری از واحدهای اقتصادی ضعیفتر از آنها در آورده اند .

بالاخره در این مورد حقیقتی که باید مورد توجه خوانندگان محترم قرار بگیرد این است که رژیم سرمایه داری در سایه حریت اقتصادی بموازات تکامل ماشینیم و بوجود آمدن ابزار و وسائل فنی مجهز و مدرن این امکان را بوجود آورده است که زورمندان به ایجاد مو، سات اقتصادی بزرگتر بپردازند و چون سرمایه داران جزو افراد قدرتمند و مقابله با آنها رانداشته اند به آغوش ورشکستگی و افلاس افتاده اند و روز بروز این کشمکش بصورت خطرناکتری بشریت را تهدید می کند و فقر و محرومیت نوده های عظیمی از انسانها را گسترش میدهد که اسلام هرگز چنانکه خواهیم گفت این گونه آزادی را که نتیجه بی آمدن آن مظلومیت و محرومیت قشر عظیمی از بشریت است اجازه نمیدهد .

این نکته را باید در نظر بگیریم که آنچه در غلبه گروه اول و شکست گروه دوم در این مبارزه اقتصادی پیش از همه چیز مو، ثر بوده است این است که هنگامی تولیدی و خدماتی بزرگ کالاهای تولیدی و خدمات را چون تولید آنها در سطح

بالتر بود میتوانستند بقیمت ارزانیتر عرضه کنند و می‌کردند و منفعت نیز میبردند در این میان واحدهای تولیدی و خدماتی کوچکتر نیز ناگزیر میشدند بهمان قیمت نسبتاً ارزان که معادل نرخ واحه‌های تولیدی و خدماتی بزرگ بود بفروشد و چون سطح تولیدشان پائین تر بود متضرر میشدند و زیان می‌بردند و همین امر موجب ورشکستگی و سقوط آنها می‌گردد. و این قبیل جریانها را که از دستاوردهای سیستم سرمایه‌داری است چنانکه خواهیم گفت هرگز نظام اقتصادی اسلام نمیپذیرد خطای اساسی دیگری که در اینجا وجود دارد این است که طرفداران رژیم سرمایه‌داری تنها به رشد کیفی و کمی تولید تکیه می‌کنند و آنرا وسیله از بین رفتن مشکل فقر و محرومیت معرفی مینمایند در حالی که تولید هر قدر هم که رشد پیدا کند بدون در نظر گرفتن توزیع صحیح هرگز نمیتواند سعادت انسانها را تأمین کند زیرا رشد تولید به ترتیبی که گفته شد موجب می‌گردد که ثروتهای کلان در نزد افراد معدودی از اجتماع جمع شود و افراد دیگر جامعه رفته رفته بدامن فقر و محرومیت و بیگاری بیفتند و بالاخره جامعه به دو قطب متضاد تقسیم که یک قطب در آغوش تمرکز و تکثر نعمت و رفاه غوطه‌ور و قطب دیگر در جنگال فقر و محرومیت و تنگدستی گرفتار شوند چنانکه هم اکنون دنیای سرمایه‌داری گرفتار این کابوس وحشتناک گردیده و روز بروز بیشتر در اعماق این مشکل اقتصادی فرو میرود.

۲- آزادی = خواسته فطری

در میان این دلیل که دلیل دوم طرفداران رژیم سرمایه‌داری است میگویند: آزادی یک خواسته فطری و حق اصل هر انسان است و ما برای اینکه باین خواسته فطری

آزادی کاپیتالیستی در مدت کوتاهی آزادی را از بسیاری افراد سلب ... و رشد تولید جای خود را به احتکار تولید می‌دهد.

پاسخ مثبت داده باشیم آزادی با این وسعت را همانطور که در زمینه‌های دیگر زندگی به انسان داده ایم در زمینه اقتصاد نیز این حق را باید به همانسانها بدهیم و آنرا به مرحله اجرا در بیاوریم.

پاسخ

این نکته درست است که آزادی خواهی خواسته فطری هر انسان و حق اصل عموم است ولی با توجه به تفاوتی که افراد بشر از لحاظ ضعف و توانایی جسمی و روحی و فکری با هم دارند اگر در میدان تحصیل مال و ثروت مخصوصاً با توجه به فقدان تربیت صحیح و فقدان سرمایه‌های معنوی و اخلاقی و با توجه محیطی که تش‌های حرص و ولع را تغذیه و ترویج می‌دهد آنها را آزاد بگذارند آیا نتیجه چه خواهد شد؟

آیا نتیجه جز این خواهد شد که افراد نیرومند در این عرصه آزادی نامحدود اسب‌های حرص و آز خود را آنقدر کسه میدانند و میتوانند بنازند و افراد ضعیفتر را که اکثریت جامعه را تشکیل میدهند تحت سیطره استعمار و استعمار خود در آورند و از آنها آزادی را بطور کلی سلب کنند.

چنانکه این جریانها هم اکنون بطور روشن در دنیای سرمایه‌داری می‌بینیم بنا بر این همین آزادی موجب سلب آزادی از

بیشتر افراد خواهد شد علاوه این مطلب نیز روشن است که خواسته فطری انسانها هرگز منحصر به آزادی خواهی نیست و انسانها چنانکه خواهان آزادی میباشند استقلال و امنیت را نیز فطرتاً خواستار هستند یعنی همانطور که یکی از خواسته‌های فطری انسان آزادی است یکی دیگر از خواسته‌های فطری بشریت استقلال و دیگر از خواسته‌های وی امنیت است.

ولی آزادی ای که دنیای سرمایه‌داری غرب به انسانها بعنوان اینکه آن یکی از خواسته‌های فطری است میدهد علاوه بر اینکه چنانکه گفتیم - موجب سلب آزادی از بسیاری از افراد می‌گردد باعث سلب استقلال و امنیت از افراد بسیاری میگردد. میدانیم تاریخ سیاه استعمار از همین آزادی اقتصادی "دنیای سرمایه‌داری سرچشمه گرفته است". دنیای سرمایه‌داری غرب به آنکه حریت اقتصادی هستی و منابع ثروت بسیاری از ملت‌ها را بلعیده و بغارت برده و استقلال فرهنگی و سیاسی و اقتصادی آنها را نابود ساخته است.

این نکته ناگفته روشن است که سیستم صحیح و اصولی آن سیستم است که بکلیه فطریات بشر توجه کند و در راه اشباع همه آنها کام بردارد نه مانند این سیستم که به یکی از خواسته‌های فطری - انهم بطور ناقص - توجه کرده و بقیه را فراموش می‌کند و با سرکوب میسازد و منافع بسیاری از ملت‌ها و افراد را قربانی منافع ملل و افراد دیگر میسازد.

و اما شرح اینکراه اسلام در این مورد چگونه است به مقاله دیگری با توفیق خداوند موکول میگردد.

ادامه دارد.

